



اهداف کلی نگرش صحیفه سجادیه به پدیده‌های طبیعی

دریافت: ۱۴۰۱/۸/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۶

احد داوری چلقائی^۱

چکیده

امام سجاد (ع) با توجه به شرایط خاص سیاسی عصر خویش، برخی از معارف اسلام را در قالب دعا تبیین کرده‌اند. بخشی از این ادعیه در کتاب صحیفه سجادیه به‌عنوان جزئی از تراث شیعه بر جای مانده و مورد توثیق، سفارش و تأکید علما بوده است. دعا‌های صحیفه سجادیه به موضوعات متنوعی پرداخته و هر کدام در شرایط خاصی ارتباط بندگان خداوند با پروردگار متعال را با زبان حال و قال میسر می‌سازند. امام در بخشی از این ادعیه به‌صورت کلی یا جزئی به برخی از پدیده‌های طبیعی نظیر ردوبرق، ماه و خلقت انسان اشاره می‌کند. این پژوهش با تحلیل محتوای دعاها و با کمک منابع کتابخانه‌ای، در پی بررسی اهداف کلی نگرش امام سجاد (ع) به پدیده‌های طبیعی و معرفی برخی از مصادیق آن در صحیفه است. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهد امام در یادکرد پدیده‌های طبیعی، به ربوبیت پروردگار و مخلوق بودن پدیده‌ها توجه کرده و با تأثیرپذیری از قرآن در بیان تعابیر، انتخاب مصادیق و سبک بیان، اشاره به اهداف تربیتی و عبادی را در ضمن دعاها مدنظر قرار داده است. همچنین با پیشرفت علوم تجربی مشخص شده علاوه بر تناقض نداشتن اشارات علمی صحیفه با یافته‌های قطعی بشر، امام در فرازهایی به نکاتی اشاره کرده که علوم بشری در قرن‌های بعد به قطعیت آن‌ها دست یافته است.

کلیدواژه‌ها: صحیفه سجادیه، پدیده‌های طبیعی، علوم تجربی، دعا، امام سجاد (ع).

۱. دکترای تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم: davari@quran.ac.ir

۱. بیان مسئله و ضرورت آن

اهل بیت علیهم‌السلام با روش‌های مختلفی به تعلیم و تربیت مردم پرداخته‌اند. برخی همچون امام علی علیه‌السلام با ایراد خطبه (سپهر خراسانی، ۱۳۸۰: ۴۶ و ۴۷) و برخی همانند امام باقر و امام صادق علیه‌السلام با تشکیل کرسی‌های تدریس در هدایت مردم کوشیده‌اند (پیشوایی، ۱۳۷۶: ۳۰۶ و ۳۰۷). برخی از تعالیم نیز به زبان دعا به مردم رسیده که دعا‌های امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه سجادیه از آن جمله است. دعا در طول تاریخ قرین بشر بوده و از عناصر مشترک همه انسان‌ها و فرهنگ‌هاست (سلمانیور، ۱۳۸۴: ۲۱-۴۰) این برنامه انسان‌سازی روح امید را در انسان زنده نگه می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۴۷۸ و ۴۷۹)؛ بنابراین در روایات مختلف شیعه و سنی به اهمیت آن تأکید شده است (مهدوی دامغانی، ۱۳۵۵: ۴۰-۵۷).

پژوهشگران جنبه‌های مختلفی از ادعیه معصومان علیهم‌السلام را مطالعه کرده‌اند؛ اما یکی از بخش‌های مغفول در نگرش اندیشمندان به دعاها از جمله ادعیه صحیفه سجادیه کاوش در پدیده‌های طبیعی است. توجه به فرازهای صحیفه نشان می‌دهد امام در دو نگاه کلان و جزئی به برخی پدیده‌های تکوینی جهان توجه کرده است؛ در نگاه کلان، وجود برخی پدیده‌ها نظیر ردوبرق (دعای ۳۶)، خشک‌سالی (دعای ۱۹) یا هلال ماه (دعای ۴۳) باعث شده است که امام متناسب با آن پدیده، زبان به دعا بگشاید و در نگاه جزئی در ضمن ادعیه خاص، به بعضی از پدیده‌های طبیعی نظیر بیماری وبا (دعای ۲۷، فراز ۱۲)، خلقت انسان (دعای ۳۲، فراز ۲۳) یا وزن آب (دعای ۳، فراز ۱۶) اشاره کند.

۱-۱. روش پژوهش

این پژوهش با تحلیل فقرات ادعیه صحیفه سجادیه به تبیین اهداف کلی نگرش امام سجاد علیه‌السلام به پدیده‌های طبیعی پرداخته و برخی از مصادیق اشاره‌های امام به آن‌ها را به‌طور اجمال روشن می‌کند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

بررسی پدیده‌های تجربی در صحیفه سجادیه، علاوه بر تبیین معارف صحیفه سجادیه، فهم بهتر مضامین آن، تأیید همراهی علم و دین در مفاهیم دینی و کمک به رفع پندار موهوم تضاد علم و دین، بیانگر جایگاه علمی امام و جامعیت نگاه آن حضرت به موضوعات است؛ به گونه‌ای که ضمن مطالب والای عرفانی و تبیین حقایق توحیدی، به مطالب دیگر همچون پدیده‌های طبیعی نیز برای تفهیم بهتر مفاهیم به فراخور بحث اشاره می‌کند. همچنین تبیین اهداف کلی برخورد امام با پدیده‌های طبیعی می‌تواند آغازگر مسیر استخراج آموزه‌های دیگر از جمله مباحث اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و... از ادعیه باشد و مضامین والای آن را بین قشرهای خاصی که با این علوم بیشتر انس دارند، ترویج کند؛ چنان که در برخی پژوهش‌ها به جنبه‌های مشابه دیگر نظیر رابطه عرفان و سیاست (برزگر، ۱۳۸۳) یا دکترین دفاعی امنیتی در صحیفه (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶) پرداخته شده است.

بررسی پدیده‌های طبیعی به‌ویژه با تعبیر «علوم تجربی» در معارف و حیانی نظیر قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) از جمله رویکردهایی است که در دوره معاصر به رشد و شکوفایی رسیده (سعیدی روشن، ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۲۷-۴۴۸) و درباره مباحث مختلف آن در آیات قرآن، کتاب‌ها و مقالات متعددی تدوین شده است؛ ولی بررسی‌های منابع بر خط و چاپی، پیشینه‌ای درباره بررسی پدیده‌های طبیعی در صحیفه سجادیه و به طور خاص تحلیل اهداف صحیفه در تعامل با پدیده‌های طبیعی نشان نمی‌دهد. البته گاهی پژوهش‌هایی نیز یافت می‌شود که به صورت جزئی، برخی از مصادیق پدیده‌های طبیعی را واکاوی کرده‌اند؛ مثلاً مقاله «الگوپذیری از دعا‌های صحیفه سجادیه و تأثیر آن بر سلامت» به قلم مهدی احمدی فراز (۱۳۹۲) به سازوکار ارتقای سلامت روانی در ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) و تأثیر آن بر سلامت جسمی و روانی پرداخته است. نویسنده در قسمتی از این پژوهش به مسیر رفتار بهداشتی اشاره کرده و نمونه‌هایی از آموزه‌های امام در ارتباط با سلامت جسمی همچون اجتناب از پر خوری، روزه‌داری و سحر خیزی را ذکر و با مقایسه آن‌ها با

دیدگاه متخصصان علوم بهداشتی، برتری آموزه‌های امام را استنتاج کرده است (احمدی، فراز، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۶).

۲. ویژگی‌های عصر امام سجاد (علیه السلام)

هر متن و سخنی در بستری تاریخی و اجتماعی شکل می‌گیرد که تبیین کارکردهای متن، تحلیل و برداشت از آن نیز با توجه به زمینه‌های فکری، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی زمان پیدایش اثر میسر است. روایات صادرشده از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) از این قاعده مستثنا نیستند؛ بنابراین برای فهم دقیق رسالت امام سجاد (علیه السلام) و صحیفه سجاده، به‌طور اجمالی شرایط کلی عصر آن حضرت بررسی می‌شود تا چرایی انتخاب زبان دعا برای تبیین معارف اسلام از سوی آن حضرت و علل احتمالی توجه به پدیده‌های طبیعی روشن شود.

پس از واقعه عاشورا، حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) به مدت ۳۴ سال، امامت شیعیان را عهده‌دار بودند (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۱۳۷). بنی‌امیه در این دوران، وحشت و خفقان شدیدی بر محافل شیعه اعمال کردند که با «واقعه حره» و سرکوب بی‌رحمانه مردم مدینه شدت یافت. این وضع با حاکمیت عبدالملک بن مروان و کارگزاران ستمگر وی همچون حجاج بن یوسف ثقفی ادامه یافت و امام در اختناق شدیدی به هدایت امت اسلامی و دفاع از کیان اسلام و حریم تشیع پرداخت (پیشوایی، ۱۳۷۶: ۲۳۸-۲۶۹). امام در فرازی از دعای ۴۹ صحیفه، شرایط دشوار خود را چنین به تصویر کشیده است:

فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ اَتَتْصَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَشَحَذَ لِي طَبَّةَ مُدْيَتِهِ، وَأَزْهَفَ لِي شَبَابَ حَدِّهِ، وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ سُمُومِهِ، وَسَدَّدَ نَحْوِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ، وَلَمْ تَنْمِ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ، وَأَصْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَيَجْرِعَنِي زُعَاقَ مَرَاتِهِ. فَتَنَظَّرْتُ - يَا إِلَهِي - إِلَى صَغْفَى عَنِ اخْتِمَالِ الْفَوَاحِجِ، وَعَجْزِي عَنِ الْإِثْنِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمَحَازِبَتِهِ، وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرِ عَدَدٍ مِنْ نَاوِنِي، وَأُزْصَدَ لِي بِالْبَلَاءِ فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي... وَكَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِي بِمَكَائِدِهِ، وَنَصَبَ لِي شَرَكًا مَصَائِدِهِ، وَكُلَّ بِي تَفَقُّدَ رِعَايَتِهِ، وَأَضْبَأَ إِلَيَّ إِضْبَاءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ انْتِظَارًا لِانْتِهَائِ الْفُرْصَةِ لِقَرَبَتِهِ، وَهُوَ يُظْهِرُ لِي بِشَاشَةِ الْمَلِكِ، وَيَنْظُرُنِي عَلَى شِدَّةِ الْحَقِّ (دعای ۴۹، فراز ۵-۸).

؛ چه بسیار دشمنی که شمشیر عداوتش را علیه من برآورده و دم تیغش را بر من بز آن ساخته و نوک نیزه‌اش را بر من تیز کرده و زهرهای کشنده را برای من مهیا ساخته و تیرهایش را به سوی من نشانه رفته و چشم مراقبتش از من نخفته و تصمیم گرفته که مرا آسیب رساند و تلخی و مرارتش را به کام من ریزد؛ اما تو ای خدای من، مشاهده کردی ضعفم را از تحمل مشکلات سنگین و ناتوانی‌ام را از پیروزی بر کسی که قصد کارزار با من کرده و تنهاییم را در برابر عدد فراوان کسانی که با من دشمنی کرده‌اند و دام‌بلا را برای هنگام غفلتم گسترانده‌اند ... و چه بسیار سرکشانی که با نیرنگ‌های خود بر من ستم کرده‌اند و دام‌های خود را بر سر راهم نهاده‌اند و جاسوسانی را بر من گماشته‌اند و مانند درنده‌ای که در انتظار فرصت برای شکار به کمین می‌نشیند در کمین من نشستند درحالی که با چاپلوسی، چهره گشاده به من می‌نمایانند و با خشم فراوان بر من می‌نگرند.

قُلْتُ نفرات و یاران امام در شرایط فوق به اندازه‌ای بود که امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: در شهر مکه و مدینه ۲۰ نفر پیدا نمی‌شود که ما را دوست داشته باشد: مَا بِمَكَّةَ وَلَا بِالْمَدِينَةِ عَشْرُونَ رَجُلًا يُحِبُّنَا (ثقفی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۳۹۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ ق، ج ۴: ۱۰۴). امام در تشبیهی مردم زمان خود را به شش دسته تقسیم می‌کند و مؤمنان را همچون گوسفندانی می‌داند که میان چنگال شیر و گرگ و روباه و سگ و خوک مانده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۳۳۹). خفکان عصر حضرت به اندازه‌ای است که گاهی امام در کنار قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم نمی‌تواند به صراحت به برخی ناهنجاری‌های اعتقادی نظیر تشبیه خدا به مخلوقات، به صراحت پاسخ دهد؛ بنابراین به دعا پناه می‌برد و با صدای بلند به گونه‌ای مناجات می‌کند که دیگران بشنوند شاید متوجه اشتباه در اعتقاد خود بشوند: أَنْ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) كَانَ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ سَمِعَ قَوْمًا يُشَبِّهُونَ اللَّهَ تَعَالَى بِخَلْقِهِ فَقَزَعَ لِدَلِكَ وَازْتَاعَ لَهُ وَنَهَضَ حَتَّى أَتَى قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَوَقَفَ عِنْدَهُ وَرَفَعَ صَوْتَهُ يُنَاجِي رَبَّهُ فَقَالَ فِي مُنَاجَاتِهِ لَهُ إِلَهِي بَدَتْ قُدْرَتُكَ وَ... (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۱۵۲ و ۱۵۳).

ستمگری و جور حاکمان، دگرگونی‌های اساسی در احکام و نظام اسلامی و سوءاستفاده از خزانه مسلمین دست‌درازی به آن از سوی دستگاه حکومتی در راستای منافع شخصی

حاکمان و امیران، تباهی اخلاق و فساد عمومی حتی در شهرهایی چون مدینه که مرکز تأسیس حکومت اسلامی بود نشان از انحطاط همه‌جانبه جامعه داشت که در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و ... روی داده بود؛ امام در چنین شرایطی، از کردار و گفتار ناصواب مردم آن روز به خدا پناه برده (شهیدی، ۱۳۷۸: ۹۴-۱۰۵) و در مان دردهای جامعه را با زبان دعا بیان و بدان وسیله با فساد مبارزه کرده و به ترویج دین اسلام پرداخته است (مظفر، ۱۴۳۶ ق: ۲۳۴) تا با این ابزار به وظیفه اصلی خود یعنی هدایت جامعه به سوی الله (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۰۰-۲۰۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۱۶ و ۱۱۷) جامعه عمل پیوشاند؛ بنابراین استفاده از زبان دعا متناسب با شرایط سیاسی، اجتماعی عصر امام سجاد (علیه السلام) بوده و آن حضرت چاره‌ای غیر از دعا برای تبیین معارف اسلام نداشتند. از این‌رو، مباحث مختلفی را در ضمن ادعیه مطرح کرده‌اند؛ حمد و ثنای الهی، درود بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و فرشتگان و انبیای الهی (دعای ۱-۴)، توجه به مسائل اجتماعی همچون مشکلات مادی و معنوی، بیماری‌ها، خشکسالی، بدهکاری (دعای ۵، ۶، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۹)، بیان فضایل اخلاقی (دعای ۲۰)، توجه به مسائل عرفانی و ارتباط با خدای متعال (دعای ۹، ۳۵، ۵۱، ۵۲ و ۵۳)، استمداد از پروردگار در ایام خاص مانند آغاز رمضان، وداع با رمضان، عید فطر، روز جمعه (دعای ۴۳-۴۷) و دعا برای همسایگان، دوستان، پدر و مادر، فرزندان، مرزداران (دعای ۲۴-۲۷) بیانگر جامعیت صحیفه در تبیین معارف به‌رغم شرایط خاص عصر زندگی امام زین العابدین (علیه السلام) است. امام در بخشی از این دعاها برای وصول سریع‌تر به اهداف تربیتی، به پدیده‌های طبیعی اشاره کرده است که بسیاری از آن‌ها با حواس ظاهری برای مردم آن عصر قابل فهم و لمس بود. در نتیجه بهتر می‌توانست باعث یادآوری نعمات الهی گردد؛ پس با بهره‌گیری از حواس تجربی به‌عنوان یکی از طرق و منابع شناخت (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۳۴-۴۲) و با بهره‌گیری از مقام عقل و خرد برای تدبیر در این حوادث طبیعی به‌مثابه یکی دیگر از طرق اصیل شناخت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۵۳-۱۵۶)، وحدانیت الهی را به آن‌ها یادآوری کرده و از انحراف‌ها باز دارد؛ چنان‌که در تبیین اهداف کلی امام، به‌روشنی می‌توان آن را دید.

۱-۲. اهداف کلی صحیفه در استناد به پدیده‌های تجربی

با بررسی اشاره‌های امام به پدیده‌های طبیعی در صحیفه سجادیه، می‌توان اهداف کلی زیر را درباره نگرش امام به پدیده‌های طبیعی استخراج کرد:

۱-۱-۲. توجه به ربوبیت پروردگار و مخلوق بودن پدیده‌ها

امام سجاد (علیه السلام) وقتی از پدیده‌های طبیعی در ادعیه سخن می‌گوید، آن‌ها را به‌عنوان مربوب و مقهور پروردگار می‌شناساند که نشانی از قدرت خالق متعال دارند. آن حضرت با نگرش توحیدی، همه پدیده‌های طبیعی را منتسب به خدا می‌داند. به‌عنوان نمونه، وقتی رعدوبرق را می‌بیند آن دو را از نشانه‌های پروردگار می‌شمارد و به پیشگاه پروردگار عرضه می‌دارد: **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَيْنِ آيَتَيْنِ مِنْ آيَاتِكَ، وَ هَذَيْنِ عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِكَ، يَبْتَذِرَانِ طَاعَتَكَ بِرَحْمَةٍ نَافِعَةٍ أَوْ نِقْمَةٍ ضَارَّةٍ** (دعای ۳۶، فراز اول)؛ بار خدایا این رعدوبرق دو نشانه از نشانه‌های تو و دو خدمتگزار از خدمتگزاران تو هستی که در اطاعت فرمان تو برای رساندن رحمتی سودمند یا عقوبتی زیان‌بار می‌شتابند. رعدوبرق در قرآن نیز از نشانه‌های پروردگار شمرده شده (روم، ۲۴؛ رعد، ۱۲ و ۱۳) و در روایات دیگری نیز به تسبیح پروردگار هنگام شنیدن صدای رعدوبرق توصیه شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ۱۲ و ۱۳؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۶: ۱۸۷ و ۱۸۸)؛ تعبیر صحیفه و بقیه ادعیه همسان با آن بیانگر نگرش توحیدی به پدیده‌های طبیعی از جمله رعدوبرق است.

همچنین در دعای طلب باران، امام زین‌العابدین (علیه السلام) زمین و باران را از آن خدا می‌داند و به درگاه خدا عرض می‌کند: **اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُؤْنِقِ فِي جَمِيعِ الْأَقَاقِ** (دعای ۱۹، فراز اول)؛ بار خدایا با بارش بارانت سیرابمان کن و رحمت خویش را با باران فراوانت که از ابرهایی که در همه آفاق آسمان برای رویش گیاهان شگفت‌آور زمینت به حرکت درآمده‌اند، بر بندگان بگستران. غیث به معنای باران (فراهِیدی، ۱۴۰۹، ج ۴: ۴۴۰) و مغدق از ریشه غدق به معنای زیادت است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴: ۴۱۵) که با ضمیر «ک» در تعبیر «بَغِيْثِكَ الْمُغْدِقِ» از آن خداوند دانسته شده‌اند، چنان‌که «أَرْضُكَ» نیز بر همین نسق به کار رفته است.

۲-۱-۲. توجه به اهداف تربیتی و عبادی در ضمن بیان مصادیق

با توجه به شرایط عصر زندگی امام زین العابدین (علیه السلام)، امام برای هدایت مردم از ابزار دعا بهره برده است. استناد به برخی پدیده‌های طبیعی نیز در دعاها، در راستای همین اهداف هدایتی، تربیتی و عبادی است. آن حضرت وقتی از هلال ماه سخن می‌گوید در پایان دعا از پروردگار می‌خواهد که از پسندیده‌ترین بندگان در آن ماه باشد و در زمره خوشبخت‌ترین افرادی قرار گیرد که در آن ماه در عبادت خدا کوشیده، توبه کرده و شکر نعمت پروردگار را به جای آورده‌اند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضَى مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَأَزْكَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ، وَ أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ، وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ، وَاعْصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْحَوْبَةِ، وَاحْفَظْنَا فِيهِ مِنْ مُبَاشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ وَأَوْزَعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ (دعای ۴۳، فراز ۶ و ۷)؛ بار خدایا، بر محمد و آل او درود فرست و ما را از پسندیده‌ترین کسانی قرار ده که این ماه بر آنان می‌تابد و از پاک‌ترین افرادی که به آن می‌نگرند و از نیکبخت‌ترین کسانی که در آن به عبادت تو کوشیده‌اند و ما را در آن به توبه موفق و از گناه مصون بدار و از ارتکاب گناه حفظ فرما، و به ما توفیق ده که شکر نعمت را به جای آوریم.

این دعا که در منابع دیگر با تفاوت مختصری در اعمال عبادی شب اول ماه رمضان آمده است (طوسی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲: ۵۴۲؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۴۹۵ و ۴۹۶) سخن از رضایت پروردگار، پاکیزگی روح، عبادت، توبه، پرهیز از گناه و توفیق شکر نعمت‌های پروردگار به میان آورده است. امام در این دعا بعد از فراز «وَأَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ» از «هلال» به معنای «قرص ماه» به «شهر» به معنای ماه قمری التفات کرده تا معنای مجازی از هلال را اراده کند. این تغییر در علم بلاغت به صنعت استخدام موسوم است (مدنی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵: ۵۳۳ و ۵۳۴).

نمونه دیگر از اهداف تربیتی امام در اشاره به خلقت اعضا و جوارح نمایان شده است. آن حضرت خلقت اعضا و جوارح را ابزاری برای تربیت نفوس و قرب به پروردگار می‌داند و از خداوند طلب می‌کند تا حرکت اعضای بدون و نگاه‌های دیدگان، باعث جلب ثواب

پروردگار و دوری از عقاب باشد: وَاجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَحَرَكَاتِ أَعْضَانِنَا وَلَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا، وَ لَهَجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ حَتَّى لَا تَقُوتَنَا حَسَنَةُ نَسْتَحِقُّ بِهَا جَزَاءَكَ، وَلَا تَبْقَى لَنَا سَيِّئَةٌ نَسْتَوْجِبُ بِهَا عِقَابَكَ (دعای ۹، فراز ۷)؛ و رازهای دلمان، حرکات اعضایمان و نگاه‌های دیدگانمان و گفته‌های زبانمان را همگی در راه جلب ثواب خودت بدار چندان که کار نیکی را که با آن سزاوار پاداش تو می‌گردیم از کف ندهیم و کار زشتی را که ما را مستوجب عقوبت تو می‌گرداند از ما سر نزنند. امام در این تعبیر پس از اشاره به برخی اعضای بدن انسان، از خداوند طلب انجام همه اطاعات و پرهیز از همه معاصی را درخواست می‌کند که دسترسی به این مهم، با فیض الهی و لطف پروردگار در راهنمایی به انتخاب کار خیر و اجتناب از بدی میسر است (مدنی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۴۲۱).

نگرش امام به بیماری و سلامت اعضای بدن نیز با تذکر جنبه‌های تربیتی همراه است. آن حضرت سلامتی را زمینه‌ساز شکر پروردگار دانسته و فقدان یا کمبود آن را باعث توبه و بازگشت به سوی خالق می‌داند؛ این نوع رفتار امام، باعث روحیه بخشی به بیمار و مقاوم‌سازی روان انسان برای مقابله با بیماری می‌شود، به گونه‌ای که فرد با بیماری به صورت یک پدیده معمولی برخورد کرده و می‌تواند از آن به عنوان سکویی برای قرب به پروردگار استفاده کند:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَخَذْتُ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي فَمَا أَذْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْخَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَأَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ أَوْ قُتِ الصَّحَّةُ الَّتِي هُنَّائِنِي فِيهَا طَيِّبَاتُ رِزْقِكَ، وَنَشْطَتِنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ، وَقَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ أَمْ وَقُتِ الْعِلَّةُ الَّتِي مَحَضَّتْنِي بِهَا، وَالنَّعِيمَ الَّتِي أَتَحَفَّتْنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَتَطْهِيرًا لِمَا أَنْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَتَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَتَذْكِيرًا لِمَحْوِ الْخَوْفَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ (دعای ۱۵، فراز ۱ تا ۴)

؛ بار خدایا، سپاس تو را بر سلامت بدنم که همواره از آن بهره‌مند بوده‌ام و سپاس تو را بر بیماری‌ای که در پیکرم پدید آورده‌ای. نمی‌دانم، ای خدای من که کدام‌یک از آن

دو حال برای شکر گزاردن به آستانات سزاوارترند؟ و کدام‌یک از آن دو زمان، سپاس تو را شایسته‌ترند؟ آیا هنگام سلامتی که در آن روزی‌های پاکیزه‌ات را برایم گوارا ساختی و برای فراهم آوردن خشنودی و فضل خویش، نشاطم بخشیدی و بر انجام طاعتی که بدان موفق شدم نیرومند و توانایم ساختی؛ یا هنگام بیماری و رنجوری که با آن، از آلودگی‌ها پاکم ساختی، [رنج‌هایی که درواقع] نعمت‌هایی [بود] که بر من هدیه کردی برای آنکه گناهی را که بر گرده‌ام سنگینی می‌کند سبک گردانی و از آلودگی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام پاکم سازی و هشداری باشد که به توبه دست یازم و تذکری باشد برای آن که گناه بزرگم را با نعمت و احسان قدیم تو محو کنم.

اشاره امام به ریزش گناهان در هنگام بیماری که در احادیث دیگری از معصومان (علیهم‌السلام) نیز آمده است (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۵: ۳۰۶-۳۱۱) یا به معنای ضعیف‌بودن بدن بیمار برای انجام گناهان است یا به دلیل توبه و پشیمانی وی از گناه و عزم بر ترک معصیت است که به علت بیماری بیشتر به یاد خدا می‌افتد (مدنی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۸۵) و در آیه «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَا لِحَبِّهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا» (یونس، ۱۲) به آن اشاره شده است.

به این ترتیب، امام با استفاده از پدیده‌های طبیعی قابل فهم برای مردم به تربیت نفوس می‌پردازد که نمونه دیگر آن در توجه‌دادن به معاد مشاهده می‌شود. باور به معاد آثار تربیتی متعددی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۳۸۵-۴۱۳) که امام نیز با یادآوری پوسیدن بدن به عنوان یک پدیده طبیعی و متلاشی شدن اعضای آن بعد از مرگ، با یادآوری ضرورت دوری از غفلت، صبغه تربیتی به دعا می‌بخشد: مَوْلَايَ وَ اَزْ حَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صُورَتِي وَ حَالِي إِذَا بَلَى جِسْمِي، وَ تَفَرَّقَتْ أَعْضَائِي، وَ تَقَطَّعَتْ أَوْصَالِي، يَا عَقْلَتِي عَمَّا يُرَادُ بِي (دعای ۵۳، فراز ۶)؛ مولای من آن‌گاه که شکل و حالم دگرگون شود هنگامی که بدنم پوسیده و اعضایم متلاشی و پیوندهایم از هم گسیخته شود بر من رحم کن. ای وای بر بی‌خبری من از آنچه مرا در پیش است.

۲-۱-۳. تأثیرپذیری از قرآن در بیان تعبیر و انتخاب مصادیق

اهل بیت (علیهم‌السلام) به عنوان ناطقان و مفسران واقعی قرآن کریم هستند (بابایی، ۱۳۸۱، ج ۱:

۲۹-۱۳۶) و در بیانات خود به‌طور مکرر به آیات قرآن استناد کرده‌اند. نمونه‌های زیادی از استشهادهای قرآن در تعابیر صحیفه سجادیه در موضوعات مختلف از جمله در آیات مربوط به پدیده‌های طبیعی وجود دارد. امام سجاد (علیه السلام) در استفاده از آیات قرآن کریم، گاهی عین عبارت قرآن را به کار برده و گاهی مفهوم آیه قرآن را با بیانی نزدیک به تعابیر قرآن آورده است. نمونه‌ای از الگوبرداری صریح، تعبیری است که درباره خلقت انسان به کار رفته است؛ امام در بخشی از دعای نماز شب به پروردگار عرضه می‌دارند:

اللَّهُمَّ وَأَنْتَ خَدَزْتَنِي مَاءً مَّهِيناً مِنْ صَلْبٍ مُتَصَائِقِ الْعِظَامِ، خَرَجَ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحِمٍ صَيِّقَةٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ، تُصَرِّفُنِي حَالاً عَنْ حَالٍ حَتَّى أَنْتَهَيْتَ بِي إِلَى تَمَامِ الصُّورَةِ، وَأَنْبَتَ فِي الْجَوَارِحِ كَمَا نَعَتَ فِي كِتَابِكَ: نُطْفَةٌ ثُمَّ عَلَقَةٌ ثُمَّ مُضْغَةٌ ثُمَّ عَظْمٌ ثُمَّ كَسَوْتُ الْعِظَامَ لَحْماً، ثُمَّ أَنْشَأْتَنِي خَلْقاً آخَرَ كَمَا شِئْتَ (دعای ۳۲، فراز ۲۳)؛ بار خدایا تو من را به شکل آبی پست از پستی با استخوان‌هایی درهم فشرده و راه‌های تنگ و پیچاپیچ به تنگنای رحمی که آن را در میان پرده‌ها پوشیده‌ای، فرود آوردی و مرا از حالی به حال دیگر دگرگون کردی؛ تا آن‌گاه که صورتم را تمام و کامل ساختی و اعضای مختلف بدنم را پدید آوردی، همان‌گونه که در کتاب خود توصیف کردی: نطفه، سپس علقه، آنگاه مضغه، سپس استخوان بندی و پس از آن استخوان‌ها را با گوشت پوشاندی و آن‌گاه به همان شکل که خواستی مرا خلقتی دیگر بخشیدی.

امام در این دعا به بخشی از آیه ۱۴ سوره مؤمنون استناد و به توصیف قرآن از خلقت انسان به صراحت اشاره می‌کند.

در تعابیر دیگری نیز به برخی از آیات به‌صورت تلفیقی اشاره یا مفهوم آیات بیان شده است؛ از جمله در تعبیر «اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا، وَعَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَمِنْ مَاءٍ مَّهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا، فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ» (دعای ۹، فراز ۵)، فراز «وَإِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنَا» از آیه ۵۴ سوره روم، فراز «عَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا» از آیه ۱۴ سوره لقمان، فراز «مِنْ مَاءٍ مَّهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا» از آیات ۲۰ سوره مرسلات و آیه ۸ سوره سجده و عبارت «فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ» از آیات ۱۶۵ سوره بقره، ۳۹ سوره کهف و آیه ۱۵

سوره فصلت گرفته شده است یا با آن آیات تشابه معنایی دارند.

درباره حرکات شب و روز و کم و زیاد شدن آن در طول سال نیز تعبیر امام سجاد (ع) با برخی از آیات قرآن همسو است: امام در دعای ۶ خداوند را چنین حمد می‌کند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ وَمَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا حُدًّا مَخْدُودًا، وَأَمَدًا مَمْدُودًا يُوَلِّجُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ، وَيُولِجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِثْلُ لِعِبَادٍ فِيمَا يَغْدُوهُمْ بِهِ، وَيُنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ (دعای ۶، فراز ۱-۴)؛ سپاس و ستایش خداوند را که با نیروی خود، شب و روز را بیافرید و با توانایی خویش آن دو را از یکدیگر متمایز کرد و برای هر یک از آن دو حدی مشخص و سرآمدی معین مقرر نمود. به تقدیر هر یک از آن دو را در دیگری فرو برد و آن یکی را در درون دیگری وارد ساخت تا روزی بندگان فراهم گردد و نشو و نما ی آنان به خوبی صورت پذیرد.

این، فرازهای دعا با آیات انبیاء، ۳۳؛ حج، ۶۱؛ لقمان، ۲۹؛ فاطر، ۱۳ و حدید، ۶ تناسب محتوایی یا لفظی دارد.

۲-۱-۴. استفاده از سبک بیان اجمال و تفصیل

سبک بیان صحیفه سجادیه در بیان پدیده‌های طبیعی متأثر از سبک بیان قرآن، جمع میان اجمال و تفصیل است، به گونه‌ای که هم اصل مطالب را به دور از زواید بیان و هم تحلیل مطلب و دقت در آن، مطالب تفصیلی زیادی به خواننده ارائه می‌کند؛ به عنوان نمونه، آن حضرت در مقام خوف از خدا، از نعمت خلقت و تربیت خداوند سخن گفته و به درگاه باری تعالی عرضه می‌دارد: اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا، وَرَبَّيْتَنِي صَغِيرًا (دعای ۵۰، فراز اول)؛ بار الها تو مرا موزون و بی عیب آفریدی و در حالی که کودک بودم پرورش دادی. در این فراز از تعبیر «سَوِيًّا» استفاده شده است که هم بیانگر مفهوم اجمالی «بی عیب و موزون» است که در نگاه ابتدایی دیده می‌شود؛ تحلیل لغوی این واژه نیز به ارائه نکات تفصیلی از تعبیر امام کمک می‌کند. این واژه از ریشه «س و ی» مشتق شده و این ماده در اصل به معنای استوار شدن و قوام بین دو چیز است و زمانی به کار می‌رود که دو چیز

معادل و مساوی همدیگر باشند. به وسط هر چیز نیز «سواء» می‌گویند؛ زیرا دو طرف یکسانی دارد و می‌تواند استوار بایستد (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۱۱۲) اگر این واژه درباره انسان به کار رود، به دلیل استوار بودن قامت انسان است که اجزای بدن انسان حکیمانه خلق شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۴۰) و نواقص ندارد (حمیری، ج ۵: ۳۲۸۰) این نظام عجیب و موزون ساختمان بدن انسان در چشم، گوش، قلب و ... نشانه قدرت و لطف پروردگار و این که تلاش هزاران ساله دانشمندان علوم طبیعی هنوز در آغاز راه شناخت آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲۶: ۲۲۱).

نمونه دیگر استفاده از تعابیر «آلَاتِ الْبَسْطِ»، «أَدَوَاتِ الْقَبْضِ» و «طَبِيبَاتِ الرِّزْقِ» است که علاوه بر معانی اجمالی «ابزار گشودن»، «ابزار بستن» و «روزی‌های پاک»، تفصیل دقیق تری می‌طلبند: وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِينَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَ جَعَلَ لَنَا أَدَوَاتِ الْقَبْضِ، وَ مَتَّعَنَا بِأَزْوَاجِ الْحَيَاةِ، وَ أَثْبَتَ فِينَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ، وَ غَدَّنَا بِطَبِيبَاتِ الرِّزْقِ، وَ أَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَ أَقْنَانَا بِمَنْهِ (دعای اول، فراز ۲۰)؛ سپاس خدای را که در بدن ما آلات گشودن را تعبیه کرد و ابزار بستن را قرار داد و ما را از نسیم‌های زندگی بخش بر خوردار ساخت و اعضای را برای انجام کار در کالبد ما نهاد، ما را با روزی‌های پاک پرورد و با فضل خود بی‌نیازمان کرد و به عطای خویش ما را سرمایه داد. در این دعا تعابیر «أَزْوَاجِ الْحَيَاةِ» و «جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ» در معانی «نسیم‌های زندگی بخش» و «اعضای انجام کار» نیز مصداق اجمال و نیازمند تفصیل هستند (مدنی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۳۷۰-۳۷۴).

۲-۱-۵. تناقض نداشتن مطالب با یافته‌های قطعی علوم بشری

بررسی مقایسه‌ای مباحث علمی مطرح شده در صحیفه سجاده با موضوعات علم روز نشانه نبود تنافی میان آن‌هاست. به‌رغم این که خیلی از مباحث علمی مربوط به پدیده‌های طبیعی به صورت دقیق و قطعی در عصر حیات امام زین العابدین (علیه السلام) روشن نبود؛ ولی گذر زمان تناقضی میان ادعیه با علوم قطعی روز را اثبات نکرده است؛ بلکه در مواردی هم نگرش امام در اعصار بعد، به‌طور دقیق اثبات شده است. خلقت انسان از ترکیب سلول‌های نر و ماده در صدر اسلام به‌طور قطعی شناخته نشده بود (صلاح

فیومی، ۱۴۲۶ ق: ۹)، ولی امام در دعای خود به گونه‌ای به آن اشاره می‌کند که هر دو سلول نر و ماده در خلقت انسان نقش دارند؛ امام درباره دشمنان، از عقیق شدن رحم زنان و خشک شدن صلب مردان آن‌ها سخن می‌گوید: اللَّهُمَّ عَقِّمِ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ، وَ يَبِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ (دعای ۲۷، فراز ۶)؛ بار خدایا! زنان‌شان را از بارداری عقیم ساز و صلب مردانشان را از تولید خشک گردان. بررسی مصادیق دیگر اشاره‌های صحیفه سجاده بر پدیده‌های طبیعی نیز صحت ادعای توافق علوم تجربی قطعی با اشاره‌های صحیفه را تصدیق می‌کند. برخی از این نمونه‌ها در ادامه بررسی می‌شود.

۲-۲. نمونه‌هایی از پدیده‌های طبیعی در صحیفه

برای تبیین بهتر اهداف فوق، برخی دیگر از مصادیق پدیده‌های طبیعی در صحیفه سجاده ذکر می‌شود.

۲-۲-۱. حرکت سریع ماه

امام سجاد (علیه السلام) هنگامی که به هلال ماه می‌نگریست، دعایی را می‌خواند که برخی فقرات آن به علوم تجربی مربوط می‌شود:

أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ، الدَّائِبُ السَّرِيعُ، الْمُتَرَدِّدُ فِي مَازِلِ التَّقْدِيرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ التَّدْيِيرِ. أَمْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ الظُّلُمَ، وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ، وَجَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ، وَعَلَامَةً مِنْ عَلَامَاتِ سُلْطَانِهِ، وَامْتَهَنَكَ بِالزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ، وَ الطُّلُوعِ وَالْأَقُولِ، وَالْإِنَارَةِ وَالْكَسُوفِ، فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَإِلَى إِزَادَتِهِ سَرِيعٌ (دعای ۴۳، فراز ۱ و ۲)

؛ ای آفریننده فرمان‌بردار، ای رونده پرشتاب که در منزلگاه‌های مقدر شده در رفت و آمدی و در فلک تدبیر تصرف می‌کنی، ایمان آوردم به آن که به وسیله تو تاریکی‌ها را روشنایی داد و آنچه را که به دشواری می‌توان یافت آشکار ساخت و تو را نشانه‌ای از نشانه‌های استیلای خود و علامتی از علامت‌های قدرت خویش قرارداد و تو را زمانی به فزونی و زمانی به کاستی و گاهی در طلوع و گاهی در غروب و حالتی در تابش و حالتی در کسوف [= خسوف] به خدمت خود گماشت، در همه این حالات تو مطیع او هستی و به سوی تحقق خواستش شتابان می‌روی.

تعبیر «الدَّائِبُ» از ریشه «دَاب» مبالغه در حرکت را می‌رساند (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۸: ۸۵) و بر دوام کار دلالت می‌کند؛ بنابراین بر عادت نیز اطلاق می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۳۲۱). این واژه درباره خورشید و ماه به حرکت پیوسته و دائمی دلالت می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۳۲۱) که با صفت سریع در این تعبیر امام همراه شده و دال بر سرعت حرکت دائمی ماه است. «مَنَازِلُ التَّقْدِيرِ» به معنای منزلگاه‌های مقدر شده، هم حرکت کاملاً دقیق و حساب شده ماه است که زمینه محاسبات دقیق منجمان درباره حرکت آن را فراهم می‌کند و امکان شناسایی کسوف و خسوف با این حرکات دقیق مشخص می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۸: ۳۸۳-۳۸۵). تعبیر به حرکت ماه در آیه ۳۳ سوره ابراهیم و آیات ۳۹ و ۴۰ سوره یس نیز اشاره شده است و اهل بیت (علیهم‌السلام) به تبع قرآن از همان تعبیر استفاده کرده‌اند. زمانی که قرآن چنین توصیفی از حرکت ماه و خورشید ارائه می‌کرده، اندیشه‌های هیئت بطلمیوسی در ستاره‌شناسی حاکم بود. بطلمیوس معتقد بود خورشید و ماه از خود حرکتی ندارند؛ بلکه در نقطه‌ای ساکن هستند و هر یک از آن‌ها در فلکی دایره‌مانند و بلوری قرار گرفته‌اند که آن فلک‌ها در حال حرکت هستند. طبق این فرضیه خورشید و ماه حرکت مستقلی ندارند؛ بلکه به تبع حرکت فلکی می‌چرخند. این نظریه در حدود ۴۰۰ سال قبل توسط گالیله و کپلر باطل شد، در حالی که قرآن کریم و اهل بیت (علیهم‌السلام) به عنوان مفسران حقیقی قرآن برای خورشید و ماه حرکت استقلالی قائل شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۷۲ و ۷۳). سرعت حرکت ماه در فضا به گونه‌ای است که هر ۳۰ روز یک‌بار به دور زمین می‌چرخد. اگر مقداری از سرعت آن کم شود، مجذوب زمین می‌شود و اگر سرعت آن بیشتر شود، از مسیر خود دور می‌شود و از زمین فاصله می‌گیرد و نمی‌تواند در مدت مشخص دور زمین بچرخد (سلیمی، ۱۳۸۱: ۲۱۶ و ۲۱۷).

۲-۲-۲. برخی شیوه‌های سرایت بیماری

نحوه سرایت بیماری‌ها و عامل اصلی آن‌ها، اغلب در قرون معاصر در علم پزشکی بررسی، تحقیق و تثبیت شده است، ولی در صحیفه سجادیه درباره دشمنان محارب در مرزها چنین آمده است: اللَّهُمَّ وَاْمُرْجُ مِیَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ، وَاطْعِمْتَهُمْ بِالْأَدْوَاءِ (دعای ۲۷، فراز ۱۲)؛ بار خدایا آب آشامیدنی‌شان را با «وبا» درآمیز و خوراک‌شان را با بیماری مخلوط ساز.

امام زین العابدین (علیه السلام) در این فراز به برخی از شیوه‌های سرایت بیماری وبا اشاره کرده است. این بیماری نوعی مرض مسری است که به وسیله نوشیدنی‌ها و غذاهای آلوده منتشر می‌شود؛ اشاره امام در آن عصر به نحوه گسترش این بیماری، با توجه به ناشناخته بودن عامل انتقال آن، نوعی شگفتی علمی به شمار می‌رود. شناخت عامل سرایت بیماری وبا با اپیدمی‌های کشنده، از طریق آب در قرن‌های اخیر کشف شده است (نوری‌زاد، ۱۳۸۳: ۱۸۸). از تعبیر امام می‌توان وجود موجودات ریزی را نیز اثبات کرد که با چشم ظاهری دیده نمی‌شوند. علوم تجربی در قرن‌های بعد از این موجودات به میکروب تعبیر کرد. تعبیر «امتزاج» هم به معنای خلط چیزی با چیز دیگر به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۵: ۳۱۹) به گونه‌ای که هیچ کدام از دیگری قابل تمایز نباشد، همچون مایعاتی که با هم می‌آمیزند و قابل تفکیک نیستند (مصطفوی، ج ۱: ۹۲)؛ بنابراین تعبیر امتزاج میکروب وبا با آب، به تفکیک نشدن آن‌ها البته با ابزارهای عمومی نیز اشاره می‌کند.

۳-۲-۲. پدیده‌های جوی

در فرازهای مختلف صحیفه، از پدیده‌های جوی نظیر انواع ابرها، نزول باران و آفات گونه‌های خاصی از باران سخن به میان آمده است.

امام زین العابدین (علیه السلام) به نزول باران از ابرهای به حرکت درآمده توسط ابرها اشاره می‌کند که باعث رشد گیاهان می‌شود: اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُغْدِقِ مِنَ السَّحَابِ الْمُتَساقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمُونِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ (دعای ۱۹، فراز اول)؛ بار خدایا با بارش باران سیرابمان کن و رحمت خویش را با باران فراوانت از ابرهایی که در همه آفاق آسمان برای رویش گیاهان شگفت آور زمینت به حرکت درآمده‌اند، بر بندگان بگستران.

در این، فراز، «غَیْث» به معنای باران است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴: ۴۴۰) که برخلاف واژه «مطر» درباره باران رحمت که خیر و برکت به همراه دارد، به کار می‌رود (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۲۳۸؛ کواز، ۱۳۸۶: ۲۵۸ - ۲۶۰). حرف جر باء در «بِغَيْثِكَ» هم می‌تواند

برای سبب یا مصاحبت باشد (مدنی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۲۳۳)؛ یعنی سبب وجود باران ابر است یا باران با ابر همراه است و از آن می‌بارد. واژه «المُعْدِق» هم به کثرت و زیادی و نعمت دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴: ۴۱۵)؛ بنابراین در مجموع به معنای باران رحمت فراوانی است که به خاطر رحمت پروردگار یا به همراه رحمت پروردگار نازل می‌شود. همچنین «المُنْسَاق» از ریشه «س و ق» در اصل به معنای حرکت دادن چیزی به کار می‌رود (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۱۱۷)؛ بنابراین «السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ» به معنای ابرهایی است که خداوند آن‌ها را با باد حرکت می‌دهد (مدنی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۲۳۳). «نَبَاتِ الْمُونِقِ» هم به معنای گیاهی است که از زیبایی، انسان را به اعجاب وامی‌دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵: ۲۲۱).

آن حضرت در بخش دیگری از دعای ۱۹ به ویژگی‌های ابرهای باران‌زا اشاره می‌کند و می‌فرماید: سَحَابًا مُتْرَاكِمًا هَنِئْنَا مَرِيئًا طَبَقًا مُجَلْجَلًا، غَيْرَ مِلْتُ وَدُقُهُ، وَلَا حُلْبٍ بَرْقُهُ (دعای ۱۹، فراز ۳)؛ ابرهایی که متراکم، گوارا، دل‌نشین، دربرگیرنده و پرخروش، بی‌آنکه بارشش ویران‌ساز و برقش بی‌باران باشد.

امام در این فراز به ابرهایی متراکمی اشاره می‌کند که در روی همدیگر قرار می‌گیرند و شیرین هستند و سختی و رنج به همراه ندارند. زمین را می‌پوشانند و آن را از آب سیراب می‌کنند، ابرهایی که صدای رعد و برق آن‌ها به گوش می‌رسد. این ابرها بارش‌های مداوم ویرانگر ندارند و از طرف دیگر فقط به ایجاد صدای رعد بدون بارش باران منتهی نمی‌شوند (مدنی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۲۴۰ - ۲۴۲).

امام سجاد (علیه السلام) آفات برخی از باران‌ها را هم یادآوری می‌کند: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا، وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا، وَلَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا، وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا أَجَاجًا (دعای ۱۹، فراز ۶)؛ پروردگارا، سایه آن ابر را بر ما گرم و زهرآگین قرار مده، سرمایش را بر ما شوم مساز و بارش آن را مایه عذاب ما مگردان و آب آن را در کام ما تلخ مساز. «سَمُوم» از ریشه «س م م» به معنای باد گرمی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۳: ۶۲) که اغلب در روز می‌آید (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۱۹۵۴) و همچون سم، تأثیر کشنده [بر گیاهان و درختان]

دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۲۴). «حسوم» نیز از ریشه «حسم» به معنای قطع کردن چیزی است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۵۷)؛ از این رو شومی را نیز «حسم» می‌گویند؛ زیرا قطع کننده اثر وجودی آن چیز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۲۳۵)؛ بنابراین معنای تعبیر امام این گونه خواهد که خدایا سرمای باران را باعث قطع آثار [درختان و گیاهان] قرار نده. امام در ادامه نیز از خداوند درخواست می‌کند که نزول باران را همچون نزول سنگ، باعث عذاب قرار ندهد تا گیاهان و کشتزارها ویران نشود؛ بلکه آن را باران رحمت قرار دهد و آب آن را صاف و گوارا و قابل شرب بسازد و با املاحی نیامیزد که قابل شرب نباشد (مدنی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۲۵۱ و ۲۵۲).

۲-۲-۴. تسلط انسان بر همه خلائق و بهره‌برداری از همه آن‌ها

در فراز ۱۸ دعای اول صحیفه آمده است: وَ جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَ صَائِرَةٌ إِلَيْنَا طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ؛ و ما را به چیرگی و تسلط بر همه خلائق برتری داد، پس همه آفریدگان او بر اساس قدرت وی، فرمان‌بردار ما هستند و به نیروی او، به اطاعت از ما ناچارند. امام در این دعا خداوند را به سبب شرف و برتری دادن انسان بر سایر موجودات جهان، بی‌نقص بودن و توان تسلط بر آن‌ها سپاس می‌گوید (مدنی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۳۶۲-۳۶۷). انسان با این قدرت می‌تواند از دریا برای تأمین غذا و مسافرت بهره‌برداری کند، از آب‌های جاری نهرها برای شرب و زراعت استفاده کند، از گوشت و قدرت حیوانات منتفع شود، از منابع مختلف خورشید و ماه و ستارگان برای انرژی، شناخت زمان و جهت‌یابی بهره‌برد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۸۲-۸۶).

تکریم انسان و برتری وی بر سایر مخلوقات (اسراء: ۷۰) و آفرینش همه نعمت‌ها برای بهره‌برداری انسان (بقره: ۲۹) جایگاه انسان را در جهان هستی روشن می‌کند که در قرآن از آن به مقام «خليفة اللهی» یاد شده است (بقره: ۳۰). مقام جانشینی خدا نیازمند برخی ویژگی‌ها از قبیل علم، قدرت و تدبیر است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۶۱۱-۶۱۵). از جمله ثمره‌های این برتری، استفاده از علم و قدرت خداوند برای تدبیر امور جهان است. انسان با توجه به ترکیب خلقت خود، با بقیه موجودات اعم از زمینی و آسمانی مرتبط است و در ضمن این

از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد؛ ولی دامنه تأثیرگذاری زیادتری در آن‌ها دارد و قادر به تصرفاتی است که بقیه موجودات آن تصرفات را ندارند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱: ۱۱۲ و ۱۱۳). دعای امام سجاد (علیه السلام) در ضمن دعای اول صحیفه سجادیه، تعبیر دیگری از این بیان قرآنی است تا برتری انسان را بر همه مخلوقات دیگر اثبات و تسلط وی را بر آن‌ها روشن کند.

۵-۲-۲. خلقت انسان

حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) پس از اشاره به کیفیت خلقت انسان از آب پست نطفه، به مرحله پس از دمیدن روح و نیازهای زندگی در رحم مادر اشاره و به درگاه خداوند عرض می‌کند: حَتَّى إِذَا اخْتَجْتُ إِلَى رَزْقِكَ، وَلَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ، جَعَلْتَ لِي قُوتًا مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَشَرَابٍ أَجْرِيَّتَهُ لِأَمَتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا، وَأَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحِمِهَا (دعای ۳۲، فراز ۲۴)؛ تا این که وقتی به روزی تو نیازمند بودم و از یاری فضل تویی نیاز نبودم، از برکت خوراک و نوشیدنی کنیزت که مرا در دل او جای دادی و در رحم او به ودیعت سپردی برایم روزی قرار دادی.

«فَضْلٍ» در عبارت «فَضْلٍ طَعَامٍ وَشَرَابٍ» به معنای زیادت است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۴: ۵۰۸) که در موارد پسندیده به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۳۹)؛ بنابراین می‌تواند به تغذیه نوزاد در رحم مادر از زیادت غذای مادر اشاره کند که پس از رفع نیازهای مادر به نوزاد می‌رسد و در صورتی که مادر تغذیه مناسبی داشته باشد، مواد غذایی مازاد به نوزاد می‌رسد و در صورتی که تغذیه کافی نداشته باشد، زیادتی نخواهد بود که به جنین برسد و جنین در این شرایط رشد مناسب نخواهد یافت.

از دیگر اشاره‌های صحیفه به خلقت انسان، اشاره به رگ‌های خون «مَجَارِي دِمَائِنَا» (دعای ۲۵، فراز ۶) و پوسیدن بدن است که به خداوند عرض می‌کند: مَوْلَايَ وَازْحَمْنِي عِنْدَ تَغْيِيرِ صُورَتِي وَحَالِي إِذَا بَلَى جِسْمِي، وَتَفَرَّقَتْ أَغْضَائِي، وَتَقَطَّعَتْ أَوْصَالِي، يَا غَفْلَتِي عَمَّا يُرَادُّ بِي (دعای ۵۳، فراز ۶)؛ مولای من آن گاه که شکل و حالم دگرگون شود هنگامی که بدنم پوسیده و اعضايم متلاشی و پیوندهايم از هم گسیخته شود بر من رحم کن. ای وای بر بی خبری من از آنچه مرا در پیش است.

۲-۲-۶. وزن آب

امام سجاد (علیه السلام) در طلب رحمت و نثار درود بر حاملان عرش و فرشتگان مقرب پروردگار به ملائکه‌ای درود می‌فرستد که وزن آب‌ها و پیمانه‌های باران‌های پرآب و رگبارهای متراکم را می‌دانند: وَالَّذِينَ عَرَفْتَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ، وَكَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا (دعای ۳، فراز ۱۶)؛ و بر فرشتگانی که وزن آب‌ها و پیمانه باران‌های پر آب و رگبارهای متراکم را به آن‌ها آموخته‌ای [رحمت بفرست].

«مَثَاقِيلَ» جمع مثقال به معنای وزنی است که اندازه‌اش معلوم باشد (فراهِیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵: ۱۳۷)؛ بنابراین هر چیزی به کار می‌رود که با آن می‌سنجند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۱۷۴). «الْمِيَاهِ» جمع «الماء» به معنای آب است که همزه بدل از هاء آمده است. اصل آن هم «مَوْه» است که در جمع کثرت به صورت «مِياه» می‌آید (جوهری، ۱۴۰۷ ق، ج ۶: ۲۲۵۰)؛ بنابراین اشاره امام به وزن آب‌های زیادی است که اندازه آن را برخی از ملائکه می‌دانند (از ظاهر عبارت صحیفه همین مقدار برداشت می‌شود، هر چند با توجه به تعبیر جمع «مِياه»، نمی‌توان تفاوت وزن آب‌های مناطق مختلف را با توجه به املاح متفاوت از نظر دور داشت). از این تعبیرات امام می‌توان در کنار عوامل طبیعی حاکم بر این جهان، از پشتیبانی فرشتگان از آن پدیده‌های طبیعی سخن گفت (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۲۱۴ و ۲۱۵).

دعای دیگری از امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است که آن حضرت به وزن برخی جمادات نظیر آسمان‌ها، زمین، خورشید، ماه اشاره کرده است؛ اما نکته جالب‌تر اشاره به وزن تاریکی، نور و وزن هواست. در بخشی از این دعا آمده است: سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ السَّمَاوَاتِ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الْأَرْضِينَ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الظُّلُمَةِ وَالنُّورِ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الْفَيِّءِ وَالْهَوَاءِ سُبْحَانَكَ تَعْلَمُ وَزْنَ الرِّيحِ كَمْ هِيَ مِنْ مَثَقَالِ ذَرَّةٍ (کشی، ۱۴۰۹ ق: ۱۱۸ و ۱۱۹)؛ پاک و منزهی تو، وزن آسمان‌ها زمین، خورشید، ماه، تاریکی، نور، سایه، هوا و وزن باد را می‌دانی. تعبیر امام در اشاره به وزن آسمان‌ها، زمین، خورشید و ماه برخلاف نظرات علمی عصر آن حضرت در باور به هیئت بطلمیوسی بود.

فرضیه هیئت بطلمیوسی زمین را مرکز عالم دانسته و اجرام آسمانی را همچون میخ نقره‌ای بر سقف زمین قلمداد می‌کرد. امام برخلاف این نظریه، به وزن این کرات همانند وزن زمین اشاره می‌کند که وزن آن‌ها با توجه به نیروی جاذبه در قرن‌های اخیر اثبات شده است. از سوی دیگر انیشتین اثبات کرد که نور از ذرات یا بسته‌های کوچکی به نام فوتون ساخته شده است که وزن آن را هم می‌توان با کمک قوانین فیزیک محاسبه کرد (حسنی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۹۹-۱۰۲)

۳. نتیجه‌گیری

شرایط خاص سیاسی و خفقان شدید ایجادشده پس از ماجرای عاشورا، امام سجاد (علیه السلام) را بر آن داشت تا با ابزار دعا به هدایتگری امت اسلامی و شیعیان بپردازد. بخشی از دعاهای آن حضرت در کتاب «صحیفه سجادیه» به اعصار بعد منتقل شده که علاوه بر صحت سند، به خاطر علو محتوا و عمق معانی، مورد توجه علما قرار گرفته است. امام زین العابدین (علیه السلام) در این ادعیه، در کنار موضوعات مختلف اعتقادی و اخلاقی، به برخی پدیده‌های طبیعی نیز اشاره کرده است که تحلیل آن‌ها علاوه بر تبیین بهتر مضامین دعاها، تأیید همراهی علم و دین را در اندیشه معلمان واقعی اسلام نمایان می‌کند.

تحلیل دعاهای صحیفه سجادیه نشان می‌دهد حضرت علی بن الحسین (علیه السلام) در ذکر پدیده‌های طبیعی، برخی اهداف کلی را مد نظر قرار داده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. به باور امام پدیده‌های طبیعی از نشانه‌های ربوبیت پروردگار هستند.

ب. هدف امام از ذکر پدیده‌های طبیعی، توجه دادن به اهداف تربیتی و عبادی است و آن‌ها را ابزاری برای تربیت نفوس و وصول به قرب پروردگار می‌داند.

ج. امام به عنوان یکی از مفسران واقعی قرآن، در انتخاب مصادیق پدیده‌های طبیعی و نحوه تعبیر از آن‌ها، متأثر از آیات قرآن بوده و به طور صریح یا ضمنی از آیات بهره می‌برد.

د. سبک بیان صحیفه، جمع میان اجمال و تفصیل است.

هـ. گسترش علوم تجربی در طول تاریخ، تناقضی در میان علوم تجربی قطعی با اشارات صحیفه سجادیه را نشان نمی‌دهد؛ بلکه امام سجاده علیه السلام در مواردی به نکاتی اشاره کرده‌اند که علوم تجربی آن‌ها را در قرون بعدی کشف کرده است.

نمونه‌های متعددی از پدیده‌های طبیعی در صحیفه سجادیه وجود دارد که مؤید اهداف گفته شده هستند. از جمله اشاره به رعدوبرق، هلال ماه، بارش باران، خلقت انسان، شیوه سرایت برخی بیماری‌ها و وزن آب.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- صحیفه سجادیه. (۱۳۸۲). ترجمه علی شیروانی. قم: دارالفکر.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). الخصال. قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ ق). معجم المقایس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- احمدی فراز، مهدی. (۱۳۹۲). «الگوپذیری از دعاهاى صحیفه سجادیه و تأثیر آن بر سلامت». پژوهشنامه حکمت اهل بیت (علیهم السلام). شماره ۱. صص: ۱۷ - ۳۰.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۶). «دکترین و سیاست‌های دفاعی امنیتی در صحیفه سجادیه». حکومت اسلامی. شماره ۴۴. صص: ۱۶۵ - ۱۹۰.
- بابایی، علی‌اکبر. (۱۳۸۱). مکاتب تفسیری. قم: تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سمت.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۳). «رابطه عرفان و سیاست در صحیفه سجادیه». اندیشه دینی. شماره ۱۲. صص: ۲۳ - ۴۶.
- پیشوایی، مهدی. (۱۳۷۶). سیره پیشوایان. قم: موسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (علیه السلام).
- ثقفی، ابراهیم بن محمد. (۱۴۱۰ ق). الفهارات. قم: دار الکتاب الإسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). تسنیم. قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- حسینی، علی‌اکبر. (۱۳۷۹). تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت / دمشق: دارالشامیة / دارالقلم.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۶). العقیده الاسلامیه. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- سیهر خراسانی، احمد. (۱۳۸۰). «امام علی (علیه السلام) بزرگ‌ترین خطیب تاریخ». پژوهش‌های نهج البلاغه. شماره ۱. صص: ۴۳ - ۵۰.
- سعیدی روشن، محمداقبر و دیگران. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سعیدی روشن، محمداقبر. (۱۳۸۳). تحلیل زبان قرآن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- سلمانپور، محمدجواد. (۱۳۸۴). «تحلیل زبان دعا». اندیشه دینی. شماره ۱۵. صص: ۲۱ - ۴۰.
- سلیمی، لطفعلی. (۱۳۸۱). کهکشان‌ها در قرآن. قم: انصاری.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۸). زندگانی علی بن الحسین (علیه السلام). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صلاح فیومی، سعید. (۱۴۲۶ ق). الإعجاز الطبی فی القرآن الکریم. قاهره: مکتبه القدسی.

- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۶۴). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*. تهران: صدرا.
- . (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ ق). *مصباح المتهجد و سلاح المتعبد*. بیروت: مؤسسة فقه الشیعة.
- . (۱۴۱۴ ق). *الأمالی*. قم: دار الثقافة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ ق). *رجال الکشی / إختیار معرفة الرجال*. تدوین: محمد بن حسن طوسی. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ ق). *الکافی*. قم: دار الحديث.
- کواز، محمد کریم. (۱۳۸۶). *سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن*. ترجمه سید حسین سیدی. تهران: سخن.
- مدنی، علی‌خان بن احمد. (۱۴۰۹ ق). *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مصطفوی، حسن. (بی تا). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مظفر، محمد حسین. (۱۴۳۶ ق). *الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیه*. تهران: مجمع جهانی اهل بیت (علیه السلام).
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). *سوگندهای پر بار قرآن*. انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۹۶). *عرفان اسلامی: شرحی جامع بر صحیفه سجادیه*. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
- . (۱۳۷۷). *پیام قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- . (۱۳۷۹). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدوی دامغانی، محمود. (۱۳۵۵). «اهمیت دعا در اسلام و جلوه آن در صحیفه سجادیه». *مجله مطالعات اسلامی*. شماره ۱۸. صص: ۴۰ - ۵۷.
- نوری زاد، صمد. (۱۳۸۳). *آن‌سوی آیه‌ها: نگرشی بر اعجازهای پزشکی قرآن*. قم: آیت عشق.
- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسة آل البيت (علیه السلام).